

روابط جمهوری ترکیه و ایالات متحده امریکا در عصر حاضر^۱

ای. ماکاراتزه^۲ و بی. ماکاراتزه^۳

برگردان: علیرضا شریفی^۴

چکیده

در پایان قرن بیستم و دهه اول قرن بیست و یکم، روابط خارجی ترکیه و امریکا توجه جامعه جهانی را به خود جلب کرده است. از پایان جنگ سرد، رابطه جمهوری ترکیه و ایالات متحده امریکا بیش‌تر بر «امنیت» متمرکز بوده است. سیاست خارجی هردو کشور، از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر، جهت‌گیری کاملاً متفاوتی داشته است. در عین زمان، این فراز و فرود در روابط دو کشور تأثیرات عمده اقتصادی نیز داشته است. سیاست امنیتی زمینه همکاری متقابل دو کشور را فراهم کرده است. در یک طرف این رابطه، امریکا، قدرتمندترین کشور جهان و رهبر یکی از دو قطب در دوران جنگ سرد، و در طرف دیگر ترکیه، کشور خیلی مهم در منطقه اما کاملاً وابسته به امریکا، قرار داشته است. علی‌رغم این‌که ترکیه در کنار امریکا یکی از اعضای ناتو بوده؛ اما این کشور هیچ‌وقت احساس امنیت نکرده است. برای درک سیاست‌های داخلی و خارجی ترکیه لازم است که رابطه این کشور با ایالات متحده امریکا را، که نقش تعیین‌کننده در سیاست‌های ترکیه داشته، مورد توجه قرار دهیم. گرچه قدرت بالفعل و بالقوه دو کشور ترکیه و ایالات متحده تفاوت زیادی

۱. این مقاله، ترجمه مقاله ذیل می‌باشد:

The Relations between the Republic of Turkey and the United States of America at the Present Stage

Journal of International Relations and Foreign Policy June 2018, Vol. 6, No. 1, pp. 1-6.

۲. پروفیسور دانشگاه «باتومی شوتا» راستاولی در گرجستان.

۳. کارشناسی ارشد دانشگاه «باتومی شوتا» راستاولی در گرجستان.

۴. پژوهشگر و استاد دانشگاه.

دارد؛ اما کشور ترکیه در دوران جنگ سرد یکی از اعضای مهم ناتو و متحد نزدیک بلوک غرب در برابر شوروی سابق بود. ترکیه یکی از کشورهایی است که دقیقاً بین شرق و غرب قرار گرفته است. شاید به دلیل همین موقعیت منحصر به فرد جغرافیایی بود که این کشور به یک کشور خاص در سیاست بین‌الملل تبدیل شد. روابط ترکیه دقیقاً در همین راستا با امریکا توسعه پیدا کرد.



بنیاد اندیشه



۱. مقدمه

محو شوروی سابق به‌عنوان مهم‌ترین تهدید علیه ترکیه از نقشه سیاسی در دهه ۱۹۹۰، به آنکارا این فرصت را داد که در سطح منطقه به‌صورت مستقل رفتار کند؛ با این وجود، ترکیه هیچ‌گاه آمریکا را به‌عنوان یک شریک مهم از دست نداده است. در عین حال، روابط میان ایالات متحده آمریکا و ترکیه به‌خاطر برخی مشکلات همواره گرم نبوده است و این مسئله نه فقط به دلیل اهداف عینی متفاوت دو کشور، بلکه به‌خاطر دیدگاه‌های متفاوت رهبران دو کشور نسبت به روند تحولات منطقه‌ای و جهانی نیز بوده است. دگرگونی اساسی در روابط دو کشور از سال ۲۰۰۲ آغاز شد؛ زمانی که حزب عدالت و توسعه، به رهبری رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری فعلی ترکیه، با گرایش‌های اسلامی به قدرت رسید. بر اساس استراتژی حزب تازه به قدرت رسیده، که توسط احمد داود اوغلو، نخست‌وزیر سابق ترکیه، تدوین شده بود، ترکیه به‌عنوان کشور قدرتمند مستقل با منافع ژئواستراتژیک خاص خود معرفی شده بود.

روابط جمهوری ترکیه و ایالات متحده آمریکا در عصر حاضر، نسبت به قبل، مهم‌تر، پیچیده‌تر و در عین زمان کم‌تر قابل پیش‌بینی است. ناپایداری امروزی حاکم بر روابط دو کشور ناشی از دلایل ذیل می‌باشد.

۱. دیدگاه سیاسی متفاوت ترکیه و ایالات متحده آمریکا در مورد راه‌حل‌های مسئله قبرس و تنش موجود میان ترکیه و یونان و ترکیه و ارمنستان.

بنیاد اندیشه

۲. ترکیه نشان داده که در جنگ عراق و مسئله سوریه، به‌خصوص مشکل کردها، از سیاست‌های آمریکا پیروی نمی‌کند.

۳. ترکیه در تلاش است تا سیاست خارجی مستقل از واشنگتن داشته باشد. در عین حال، ایالات متحده و ترکیه در بعضی موضوعات منافع مشترک دارند.

به‌صورت کلی، همکاری آمریکا و ترکیه روی موضوعات ذیل می‌باشد.

- این همکاری می‌تواند در مورد محدود کردن نفوذ منطقه‌ای روسیه و جمهوری اسلامی ایران باشد که نخبگان ترکیه روی آن اجماع دارند.

- آنکارا خواهان مشارکت در توسعه سپر دفاعی اروپا است. این کشور خواهان عضویت کامل در اتحادیه اروپا بوده که آمریکا نیز حامی ترکیه در این موضوع می‌باشد.

- بیش از ۸۰ درصد تسلیحات ارتش ترکیه ساخت امریکا است که به نوبه خود، همکاری نزدیک میان ارتش دو کشور را می‌طلبد.

- با توجه به این امتیازات و حمایت و همکاری امریکا، ترکیه می‌خواهد از توسعه و تکمیل پروژه «باکو-جیحان» مطمئن شود؛ همزمان ترکیه تلاش می‌کند نفوذ خود را در منطقه دریای سیاه و دریای خزر، منطقه‌ای مملو از انرژی، گسترش دهد.

- ترکیه خواهان استقرار سپر دفاع موشکی امریکا در خاک خود است که نه تنها تجهیزات جدیدی را در اختیار ارتش ترکیه قرار می‌دهد؛ بلکه امنیت این کشور را نیز بهبود بخشیده و وزن این کشور را در منطقه بالا می‌برد.^۱

برای این‌که روابط ترکیه و امریکا را با عبارت دقیق‌تر بیان کرده باشیم، بهتر است که از عبارت «اتحاد استراتژیک»^۲ استفاده کنیم. به عنوان نمونه، از سال ۲۰۰۲، ترکیه تلاش کرد تا سیاست «بدون مشکل با همسایگان»^۳ را در پیش گیرد که بر اساس آن، گام‌های دوستانه‌ای را در ایجاد روابط اقتصادی با سوریه و ایران برداشت؛ دو کشوری که هیچ‌گونه رابطه‌ای با امریکا نداشتند. این گام‌ها در تضاد با اتحاد استراتژیک با امریکا قرار نگرفت تا این‌که در سال ۲۰۰۳،

ترکیه اجازه نداد که امریکا از پایگاه‌های نظامی این کشور علیه عراق استفاده کند و این امر در تضاد با «اتحاد استراتژیک» قرار داشت. بعد از این واقعه، مقامات امریکا تا مدت طولانی از واژه اتحاد

”مقامات در آنکارا چنین می‌پنداشتند که خودداری از واگذاری پایگاه‌های این کشور به امریکا برای حمله به عراق و سرنگونی صدام حسین، کاری دشوار خواهد بود. از نظر آنها، تنها همکاری نزدیک با ایالات متحده بود که به ترکیه این امکان را می‌داد که در برابر ایجاد یک دولت مستقل کُرد یا هر موجودیت مستقل دیگر، بعد از جنگ عراق، مخالفت کند.“

۱. با سردی روابط ترکیه و امریکا در مسئله سوریه، ترکیه خواهان خرید سیستم دفاعی S۴۰۰ روسی شد. این قرارداد بین دو کشور در سال ۲۰۱۷ امضا شد و قرار بود که این سیستم در سال ۲۰۲۰ در اختیار ترکیه قرار بگیرد. جدیداً مقامات روسی اعلام کردند که این سیستم یکسال زودتر از موعد مقرر، یعنی در سال ۲۰۱۹، در اختیار ترکیه قرار خواهد گرفت. سیستم دفاعی اس ۴۰۰ به مراتب پیشرفته‌تر و ارزان‌تر از سیستم دفاعی THAAD ساخت امریکا است که قرار بود در ترکیه مستقر شود. بعد از این قرارداد، مقامات امریکایی به شدت اعلام نارضایتی کردند. کنگره امریکا از پتانژون خواست که موضوع تحویل جنگنده‌های F۳۵، پیشرفته‌ترین جت‌های جنگی امریکا، را بررسی کند. ترکیه قرار بود حدود ۱۰۰ فروند از این جنگنده‌های پیشرفته در اختیار داشته باشد. در اقدامی دیگر امریکا تحریم‌هایی را نیز بر ترکیه وضع کرد. (مترجم).

منبع:

<https://www.cnbc.com/2018/09/06/turkey-begins-constructing-site-for-russian-missile-system.html>

<https://www.aljazeera.com/news/2018/08/russia-start-400-missile-deliveries-turkey-year-180821152148502.html>

2. Strategic partnership.

3. Zero problem with neighbors.



استراتژیک برای بیان رابطه دو کشور استفاده نکردند تا این که در ۵ نوامبر ۲۰۰۷، رئیس جمهور وقت آمریکا، جرج دبلیو بوش، در ملاقات نخست‌وزیر وقت ترکیه، رجب طیب اردوغان، در کاخ سفید دوباره از واژه اتحاد استراتژیک استفاده کرد.

حال سؤال این است که مرز روابط ترکیه و آمریکا در انتهای قرن بیست و یکم کجاست؟ قبل از همه لازم است مهم‌ترین موضوع در این رابطه را مورد توجه قرار دهیم. حمله تروریستی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بر ایالات متحده آمریکا، ملت ترکیه را به شدت متأثر ساخت. بلافاصله بعد از حمله، «بلنت اجویت»، نخست‌وزیر وقت ترکیه، در مراسمی در سفارت آمریکا حاضر شده و مراتب تسلیت خود را به ملت آمریکا اظهار داشت. یک ماه بعد، در تاریخ ۷ اکتبر ۲۰۰۱، قوای نظامی ایالات متحده آمریکا و ناتو جنگ علیه القاعده و طالبان را در افغانستان به راه انداختند و در ۲۰ مارس ۲۰۰۳، با فرض وجود سلاح کشتار جمعی به عراق حمله کردند. ترکیه در ۱۵ فوریه ۲۰۰۲، نیروهای خود را به کابل، پایتخت افغانستان، فرستاد؛ ولی از پذیرش رهبری نیروهای خارجی در افغانستان، بدون دریافت پاداش مالی، خودداری کرد. مشکل همکاری استراتژیک زمانی بیش‌تر نمایان شد که آمریکا خواست برنامه مبارزه با تروریسم را در خارج از مرزهای افغانستان نیز گسترش دهد. مهم‌ترین اختلاف نظر میان آنکارا و واشنگتن بر سر مسئله عراق به وجود آمد. ترکیه به شدت مخالف عملیات تهاجمی آمریکا به عراق بود و هراس خود را از این که این مسئله موجب نارضایتی در خود ترکیه شود، ابراز داشت.

مقامات در آنکارا چنین می‌پنداشتند که خودداری از واگذاری پایگاه‌های این کشور به آمریکا برای حمله به عراق و سرنگونی صدام حسین، کاری دشوار خواهد بود. از نظر آن‌ها، تنها همکاری نزدیک با ایالات متحده بود که به ترکیه این امکان را می‌داد که در برابر ایجاد یک دولت مستقل گرد یا هر موجودیت مستقل دیگر، بعد از جنگ عراق، مخالفت کند. این حوادث باعث شد که افکار عمومی مردم ترکیه علیه آمریکا شکل بگیرد. اطلاعاتی که از سوی عراق ارائه می‌شد، در ترکیه به عنوان حمله نیروهای نظامی آمریکا علیه مسلمانان تلقی شد. از مرحله دوم جنگ سرد، مهم‌ترین دلیل که باعث سردی روابط ترکیه و آمریکا شد، این بود که آمریکا کشتار ارمنیان توسط سلطان عثمانی را به عنوان «نسل‌کشی»^۱ به رسمیت شناخت. در آن زمان، کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا پیشنهاد کرد که کشتار ارمنیان در ابتدای قرن بیستم توسط ترک‌ها، به عنوان نسل‌کشی شناخته شود؛ هرچند که با





نفوذ دولت وقت امریکا، این موضوع از دستور کار کنگره خارج شد؛ با این وجود، مقامات آنکارا واکنش قوی در برابر تصمیم کمیته نشان داده، سفیر خود از امریکا را برای مشوره فراخواند. البته باید یادآوری کرد که وقتی کنگره امریکا در سال ۲۰۰۷، قطع‌نامه موسوم به کشتار ارامنه را تصویب کرد، ترکیه اقدام مشابه را انجام داد [۳۶۷.۵.۲] (در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۸۵ تلاش‌هایی صورت گرفت که این واقعه به‌عنوان نسل‌کشی به رسمیت شناخته شود؛ ولی این اتفاق نیفتاد). گرچه سفیر ترکیه دوباره با امریکا برگشت؛ اما این اتفاق، تأثیر بسیار منفی بر روابط دو کشور گذاشته و میزان رضایت مردم ترکیه از امریکا به میزان قابل توجهی کاهش یافت؛ نظرخواهی اجتماعی که نشان‌دهنده همگرایی در سیاست خارجی نیز هست.

به‌صورت خاص، در پایان ژانویه ۲۰۰۱، روزنامه ترکی «جمهوریت» نتیجه یک نظرخواهی را منتشر کرد که توسط جامعه‌شناسان دانشگاه آنکارا انجام شده بود که بر اساس آن، فقط ۹.۹ درصد شهروندان ترکیه خواهان آشتی و داشتن روابط گرم با امریکا بودند.

موضوع به رسمیت‌شناختن نسل‌کشی ارامنه هر از گاهی برای زیر فشار قراردادن ترکیه از سوی امریکا به کار گرفته می‌شود. وزیر خارجه وقت ترکیه، احمد داود اوغلو، بعد از دیدار با معاون اول وزیر امور خارجه امریکا در مونیخ، چنین گفت: «اجازه ندهیم کسی فکر کند که ترکیه از روی ترس گام‌هایی را برخواد داشت که از صحت آن مطمئن نیست». معنای این سخن این بود که قطع‌نامه‌ای که توسط کمیته روابط خارجی کنگره امریکا به تصویب رسیده، نه به نفع ترکیه بوده، نه ارمنستان و نه امریکا و چنین اقدامی به جای این‌که سودی داشته باشد، فقط باعث افزایش زیان خواهد شد.

۱. منابع تاریخی ادعا می‌کنند که در سال ۱۹۱۵، بیش از ۵/۱ میلیون نفر از جمعیت دو میلیون نفری ارامنه ساکن قلمرو امپراطوری عثمانی در نتیجه سیاست‌های بی‌رحمانه سلاطین عثمانی جان خود را از دست دادند که اکنون به «نسل‌کشی ارامنه» از آن یاد می‌شود. سیاست‌های دقیق و وسواسانه دولت عثمانی در سرپوش گذاشتن بر این رخداد ناگوار و حجم وسیع این وحشی‌گری سیستماتیک باعث شده است که هیچ‌گاه تعداد دقیق قربانیان مشخص نشود و آمار قربانیان در منابع تاریخی مختلف، اختلافات فاحشی داشته باشند. طلعت پاشا، وزیراعظم، انور پاشا، وزیر جنگ و جمال پاشا، فرمانده نیروی دریایی، از وزرای حکومت عثمانی، سه نفری بودند که در جریان جنگ جهانی اول دستور نسل‌کشی ارامنه را صادر کردند.

تنگر و کینه طلعت پاشا نسبت به ارامنه بر کسی پوشیده نبود و وی از دیرباز به دنبال راهی برای اخراج آن‌ها از سرزمین‌های امپراطوری عثمانی می‌گشت. یک زبان‌شناس دانمارکی به نام «یوهانس اوستروپ» (Johannes Østrup) در خاطرات خود ادعا کرده که طلعت پاشا در سال ۱۹۱۰ میلادی، برنامه خود برای از بین بردن تمامی ارامنه ساکن در خاک عثمانی را با وی در میان گذاشته است. او سخنان طلعت پاشا در این مورد را چنین نقل می‌کند: «اگر روزی در این کشور به قدرت برسیم، تمام توان خود را برای پاکسازی نسل ارامنه انجام خواهیم داد.»

آرزوی او برای به دست‌گرفتن قدرت در سال ۱۹۱۳ از طریق کودتا به واقعیت می‌پیوندد و سال بعد حکومت عثمانی وارد جنگ جهانی اول می‌شود. یک سال بعد از آن نیز (سال ۱۹۱۵) برنامه طلعت پاشا برای کشتار سیستماتیک ارامنه آغاز می‌شود. (مترجم)

از نظر آنکارا، واشنگتن با به رسمیت شناختن کشتار ارمنه به عنوان نسل‌کشی، فرصت اتحاد با ترکیه را از دست داده است. همه بر این باور بودند که باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در نود و پنجمین سال گرامی‌داشت کشتار ارمنه، از واژه «نسل‌کشی» استفاده کند؛ اما او چنین نکرد. در نتیجه، این اقدام او باعث خشم ارمنستان شده و آمادگی آمریکا برای اتحاد دوباره با ترکیه را به نمایش گذاشت.

موضوع دیگری که ترکیه و آمریکا بر سر آن توافق ندارند، اسرائیل است. بعد از عضویت ترکیه در ناتو در سال ۱۹۵۲، روابط بسیار نزدیکی میان آنکارا و تل‌آویو برقرار شد. اسرائیل همراه با دیگر کشورهای عضو ناتو، یکی از مهم‌ترین عرضه‌کننده اسلحه به ترکیه بوده است.

در شروع قرن بیست و یکم، ترکیه دومین کشور متحد اسرائیل بعد از ایالات متحده آمریکا بود. علی‌رغم اتحاد سنتی میان دو کشور، روابط دو کشور به‌طور چشم‌گیری رو به سردی گرایید. روابط دو کشور در سال ۲۰۰۸، وقتی اسرائیل به نوار غزه حمله نموده و بیش از ۱۴۰۰ فلسطینی را به قتل رساند، به سردترین حالت ممکن رسید. به همین دلیل، رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت ترکیه، شیمون پرز، نخست‌وزیر وقت اسرائیل، را در نشست اقتصادی سران کشورها در داووس، چنین خطاب کرد: «شما یهودی‌ها به خوبی می‌دانید که چگونه مردم [بی‌گناه] را قتل عام کنید.» ترکیه اسرائیل را تهدید کرد که اگر به تبلیغات خود مبنی بر جنگ در نوار غزه ادامه دهد، ترکیه دست به اقدام خواهد زد. با دخالت آمریکا، اسرائیل به تبلیغات جنگ علیه نوار غزه پایان داد و روابط دو کشور دوباره کمی بهبود یافت.

بنیاد اندیشه

در اواخر اکتبر ۲۰۰۹، ترکیه از مشارکت نیروهای اسرائیلی برای تمرین نظامی ناتو که در خاک این کشور برگزار می‌شد، جلوگیری کرد. رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر وقت، اعلام کرد که این کار به دلیل حساسیت افکار عمومی بود که از رفتار اسرائیل در غزه به شدت ناراحت بودند. گرچه عده‌ای برای این کار اردوغان دلایلی دیگر، از جمله تغییر بنیادی در جغرافیای سیاسی خاورمیانه، را بیان کرده‌اند.

تنش میان ترکیه و اسرائیل در ۳۱ می ۲۰۱۰، زمانی که اسرائیل به کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه به غزه که زیر پرچم ترکیه حرکت می‌کرد حمله کرد، به اوج خود رسید. اسرائیل این حمله را دفاع از خود دانست. در این حمله ۹ شهروند ترکیه جان‌های خود را از دست دادند. ترکیه





خواهان تحقیق بین‌المللی در مورد حادثه شد؛ اما به‌زودی دریافت که امریکا برای مجازات اسرائیل هیچ اقدامی نخواهد کرد. احمد داود اوغلو، وزیر خارجه وقت ترکیه، در مورد حمله به کشتی ترکی چنین گفت: «از لحاظ روانی، حمله به کشتی حامل کمک‌های بشردوستانه، برای ترکیه مثل حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر بود. ما در این مورد سکوت نخواهیم کرد. ترکیه از عملکرد امریکا به هیچ عنوان خشنود و راضی نیست.»

سومین منبع تنش میان آنکارا و واشنگتن به موضوع ایران برمی‌گردد. مقامات امریکا بر این باور بودند که ابزارهای دیپلماتیک برای متوقف کردن ایران کارآمدی نداشته و باید در این مورد به یک تصمیم مشترک و دسته‌جمعی رسید؛ اما این سیاست در تضاد با تلاش‌های ترکیه قرار داشت که می‌خواست با ایران روابط حسنه داشته باشد و تمام مشکلاتش را [با گفت‌وگو] حل کند. به گفته رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، «دیپلماسی، دیپلماسی و فقط دیپلماسی می‌تواند مشکل ایران را حل کند.»

مقامات امریکا از این که ترکیه از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران حمایت می‌کرد، به شدت ناراحت بودند. می‌توان گفت که ترکیه در آن دوران، متحد دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ چنان‌که باراک اوباما در سال ۲۰۰۹ اشاره می‌کند، ایران و ترکیه هر دو به دنبال دست‌یافتن به تجهیزات و دانش تولید انرژی اتمی هستند. وقتی در مارس ۲۰۱۰، ترکیه به‌عنوان عضو غیر دائم شورای امنیت سازمان ملل، مانع تحریم‌های بیش‌تر علیه ایران شد، مقامات کشورهای غربی از رفتار ترکیه اعلام نارضایتی کردند. قابل یادآوری است که رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه^۱، در سفر به ایران، غربی‌ها را به «رفتار دوگانه»^۲ و حملات ناعادلانه در برابر ایران متهم نموده و تأکید کرد که «شایعاتی که می‌گویند ایران به دنبال تسلیحات هسته‌ای می‌باشد، غیر منطقی و نادرست است.» می‌توان گفت که اعلام چنین موضعی از سوی ترکیه برای غرب بسیار غیر منتظره بود. این موضع ترکیه، ایران را قادر ساخت که در برابر تحریم‌ها مقاوم‌تر شود و حضورش در منطقه گسترش یابد که از نقطه‌نظر استراتژیک اشتباه بزرگ از سوی ترکیه بود.^۳ اما رقابت میان ترکیه سنی‌مذهب با ایران شیعه‌مذهب، با توجه به واقعیت‌های منطقه خاورمیانه، هم‌چنان زنده و فعال باقی خواهد ماند.

۱. اردوغان در ۲۸ اوت ۲۰۱۴ به‌عنوان رئیس‌جمهور ترکیه انتخاب شد. (مترجم)

2. double standard.

۳. این دیدگاه نویسندگان که مقاومت ایران در برابر تحریم‌ها و حضورش در منطقه به علت موضع‌گیری اردوغان بوده، قابل نقد است. ایران نزدیک به چهل سال است که در برابر تحریم مقاومت نموده و بعد از سقوط صدام در عراق، حضورش را در منطقه گسترش داده است. (مترجم)

علی‌رغم تعدد ادای از مشکلات و عدم توافق بین ترکیه و ایالات متحده، روابط تجاری بین دو کشور همواره رو به گسترش بوده است. کشور ترکیه به‌عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد در شرق اروپا و خاورمیانه، رده هفدهم را در اقتصاد جهانی و رده ششم را در اروپا به خود اختصاص داده است؛ اما کمبود سرمایه و روابط تجاری [تجاری میان دو کشور]، این واقعیت را تغییر نداده است که ترکیه برای مقامات آمریکا یک متحد استراتژیک و دارای اهمیت سیاسی زیاد می‌باشد. در بسیاری از موارد، امریکایی‌ها به رشد صنعت در ترکیه توجه نکرده‌اند. این امر، بیش‌تر ناشی از تفاوت دیدگاه سیاسی دو کشور بوده است. گرچه رشد سرمایه‌گذاری و تجارت در کوتاه‌مدت به سختی به دست می‌آید؛ اما هر دو کشور تلاش کرده که به همکاری اقتصادی میان دو کشور اهمیت بیش‌تر بدهند.

در حالی که تجارت و سرمایه‌گذاری، به علت بحران اقتصادی در عرصه بین‌المللی، کاهش یافته؛ اما درآمد ناشی از تجارت آزاد در طول ۱۵ سال اخیر، حدود ۱۱ برابر افزایش یافته؛ در حالی که در همین دوره، سرمایه‌گذاری در خارج از مرز کشورها، ۱۰ برابر بیش‌تر شده است. علی‌رغم این‌که آمریکا بزرگ‌ترین کشور سرمایه‌گذار در جهان است و حدود ۳۹ تریلیون دلار در خارج از مرزهای سرمایه‌گذاری کرده؛ اما سهم ترکیه از این سرمایه‌گذاری بسیار ناچیز، یعنی فقط ۵٫۷ میلیارد دلار، بوده است. حدود نصف این سرمایه‌گذاری در سال‌های اخیر، زمانی که ترکیه به دنبال سیاست ایجاد ثبات در کشور بود، انجام شده است. سرمایه‌گذاری ترکیه در آمریکا نیز نسبتاً اندک بوده (حدود ۲ میلیارد دلار)؛ اما این واقعیت را نباید نادیده گرفت که ترکیه به‌صورت کلی کشوری است که کم‌تر در خارج از مرزهای سرمایه‌گذاری می‌کند.

بنیاد اندیشه

در عرصه تجاری، مبادلات تجاری میان دو کشور از سال ۱۹۸۰ تا کنون تقریباً ۲۵ برابر شده و در سال ۲۰۱۰ به حدود ۳۰۰ میلیارد رسیده است. از آگوست ۲۰۱۱ به بعد، ترکیه ششمین شریک تجاری آمریکا در اروپا بوده است. حدود ۶۵ درصد صادرات ترکیه به بازارهای رقابتی مثل سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD¹)، اتحادیه اروپا و آمریکا بوده است. اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای رقابتی شبیه آمریکا، حدود ۶۵ درصد صادرات به ترکیه را به خود اختصاص داده‌اند. روابط تجاری دوجانبه میان ترکیه و آمریکا در سال ۱۹۸۵، به شدت کاهش یافت و در سال ۲۰۰۷، فقط هفت برابر افزایش یافت. چنین افزایشی، نسبتاً افزایش اندکی به حساب می‌آید. در سال ۲۰۰۷، ارزش مبادلات تجاری بین دو کشور مبلغ ۱۲٫۲۲۶ میلیارد دلار بوده است. ایالات متحده هفتمین



کشور بزرگ صادرکننده و پنجمین کشور واردکننده از ترکیه می‌باشد. فقط ۳.۹ درصد صادرات ترکیه به آمریکا و ۴.۸ درصد واردات ترکیه از آمریکا می‌باشد. سهم ترکیه در بازار آمریکا بسیار مهم است. اقتصاد باز و متنوع ترکیه نقش عمده در توسعه فعالیت ملی دارد که برای یک دموکراسی قوی و باثبات ضروری می‌باشد. ترکیه با اقتصاد نسبتاً توسعه یافته، هم از لحاظ اقتصادی و هم سیاسی، می‌تواند الگوی خوبی برای کشورهای منطقه باشد. چنین جایگاهی به ترکیه این موقعیت را داده که شریک تجاری خوبی برای آمریکا باشد.

» بعد از شکست کودتا، ترکیه خواهان بازگرداندن «گولن» از آمریکا به ترکیه شد. رجب طیب اردوغان در بیانیه‌ای اعلام کرد هر کشوری که از گولن حمایت کند، دشمن ترکیه محسوب می‌شود. اگر چنین روندی ادامه یابد، بدترین حالت را برای روابط ترکیه و آمریکا می‌توان پیش‌بینی کرد.

در سال ۲۰۰۹، باراک اوباما و عبدالله گل، رئیس‌جمهور وقت آمریکا و ترکیه، باهم توافق کردند که برای عمق بخشیدن به شراکت تجاری دو کشور، مبادلات تجاری بین دو کشور افزایش یابد. دو کشور هم‌چنین توجه ویژه‌ای به همکاری در عرصه مهندسی انرژی نموده که هم شامل انرژی برق و هم منابع تجدیدپذیر انرژی می‌شود. به علاوه این که هر دو کشور همکاری در مورد توسعه انرژی اتمی را نیز از قلم نیانداخته‌اند. در طول مذاکرات، هر دو کشور توافق کردند که برای توسعه اقتصادی شمال آفریقا و منطقه «اور آسیا» نیز باهم همکاری کنند.

ترکیه یکی از بازارهای رو به گسترش برای بازرگانان و سرمایه‌داران آمریکایی است. از طرف دیگر، آمریکا بزرگ‌ترین بازار برای ترکیه است. از آنجا که ترکیه در تقاطع دو قاره آسیا و اورپا قرار گرفته و دارای روابط نسبتاً خوب اقتصادی با همسایگانش می‌باشد، می‌تواند شریک مهمی برای آمریکا در بازارهای خاورمیانه، شمال آفریقا و آسیای میانه باشد. همراه با آمریکا، ترکیه می‌تواند کشورهای شمال آفریقا را کمک کند که اقتصادشان را دوباره احیا کنند. آمریکا به خوبی اهمیت گسترش روابط اقتصادی با ترکیه را درک کرده و می‌خواهد که روابط اقتصادی را نیز در حد روابط بالای سیاسی و نظامی که بین دو کشور موجود است، ارتقا بخشد.

باراک اوباما در سخنرانی‌ای که در پارلمان ترکیه در سال ۲۰۰۹ ایراد کرد، گفت: «ترکیه مهم‌ترین بخش اروپا و متحد بسیار مهم برای ایالات متحده آمریکا می‌باشد. ترکیه و ایالات متحده باید با همدیگر تلاش کنند که بر چالش‌های موجود در دنیای کنونی فائق آیند.» ولی مواقعی هم بوده که روابط ترکیه و آمریکا به مشکل برخورد کرده است. در این مورد می‌توان گفت که روابط دو کشور بعد



از کودتای نافرجام در ۱۵ ژوئای ۲۰۱۶ به شدت رو به سردی گراییده است. باراک اوباما و جان کیری، وزیر خارجه وقت آمریکا، هردو اعلام کردند که باید برای جلوگیری از خشونت و خونریزی از حکومت منتخب مردم حمایت صورت گیرد. وزیر خارجه وقت آمریکا اعلام کرد که وزارت مطبوعه و وضعیت شهروندان آمریکایی ساکن ترکیه را تحت نظر دارد. ژنرال بیکیر ارجان فن، فرمانده نیروهای ناتو مستقر در پایگاه نظامی «انجریلیک» همراه با عده‌ای دیگر، متهم به همکاری با کودتاچیان شدند. پایگاه نظامی مذکور در اختیار آمریکا و دیگر متحدانش قرار دارد تا از آن برای حمله به سوریه و عراق استفاده کند.

بستن پایگاه نظامی انجریلیک، نارضایتی و رنجش مقامات آمریکایی را در پی داشت. در این مورد جالب است که به مصاحبه صدای آمریکا با معاون وزارت خارجه آمریکا و سفیر پیشین این کشور در آذربایجان، «ماتیو بریزا»، اشاره کنیم. ایشان در این مصاحبه گفته بود که آمریکا به صورت کامل از حکومت منتخب مردمی در ترکیه حمایت می‌کند. این اولین واکنش رسمی آمریکا به حوادثی بود که در ترکیه اتفاق می‌افتاد.

بعد از شکست کودتا، ترکیه خواهان بازگرداندن «گولن» از آمریکا به ترکیه شد. رجب طیب اردوغان در بیانیه‌ای اعلام کرد هر کشوری که از گولن حمایت کند، دشمن ترکیه محسوب می‌شود. اگر چنین روندی ادامه یابد، بدترین حالت را برای روابط ترکیه و آمریکا می‌توان پیش‌بینی کرد. چند مدت قبل، نشست ناتو در صدد بود که ترکیه را (بر اساس ماده ۵ اساس نامه ناتو) از دولت اسلامی بدور نگهدارد؛ اما امروز ترکیه، عضو ناتو، در صدد است که با بستن پایگاه انجریلیک، همکاری با کشورهای عضو ناتو، از جمله آمریکا، را به حداقل برساند.

آمریکا مصمم است که «فتح‌الله گولن» را به ترکیه تحویل ندهد. مجله «وال استریت» نوشت که مقامات ترکی شواهد لازم مبنی بر دخالت سازمان گولن در کودتا را به آمریکا ارائه نکرده و نتوانسته مقامات آمریکایی را قانع سازد که گولن را به ترکیه تحویل دهد. دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، تأکید کرد که ترکیه باید حکومت قانون و معیارهای عدالت غربی را رعایت کند. در یک مصاحبه با

1. Bekir Erjam Van.
2. Injirlik.
3. Matthew Bryza.
4. Petella Gulen.
5. The wall Street.
6. Western Justice.



روزنامه نیویورک تایمز، رئیس جمهور امریکا گفت که او از عملکرد رئیس جمهور ترکیه قدردانی می‌کند: «من از عملکرد رئیس جمهوری ترکیه واقعاً سپاسگزاری می‌کنم. او تلاش کرد که کودتا را ناکام بگذارد. بعضی‌ها می‌گویند این کار درستی نبود؛ اما من چنین فکر نمی‌کنم.»

رکس تلیرسون^۱، وزیر خارجه پیشین امریکا، اعلام کرد که «ایالات متحده مایل است روابط خود را با رجب طیب اردوغان از سر بگیرد. ترکیه یکی از قدیمی‌ترین اعضای ناتو می‌باشد. کم‌کاری امریکا در منطقه باعث شد که ترکیه بیش از پیش به روسیه نزدیک شود. روسیه یک متحد دایمی ترکیه نیست و ما اثبات خواهیم کرد که امریکا تنها متحد ترکیه می‌باشد.» در مقایسه با روسیه، امریکا حضور نظامی-استراتژیک بیش تری در منطقه دارد.

در تاریخ ۱۶ می ۲۰۱۷، رجب طیب اردوغان با دونالد ترامپ در کاخ سفید باهم دیدار کردند؛ جایی که دونالد ترامپ چنین گفت: «ما همواره با ترکیه رابطه خوب داشته و در آینده نیز این رابطه نیک ادامه خواهد یافت.» در نهایت این که دولت اردوغان در موقعیتی قرار گرفته که از یک طرف گسترش روابط با روسیه سود چندانی برایش به ارمغان نیاورده و از طرف دیگر، تقابل این کشور با غرب به نقطه اوج خود رسیده است.^۲

1. Rex Tylerson.

۲. دو موضوع مهم دیگر در رابطه ترکیه با امریکا بسیار تأثیرگذار بوده که به علت جدید بودن، در مقاله اشاره نشده است: (۱) موضوع اندرو برانسون، کشیش امریکایی؛ (۲) قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد عربستان، در کنسولگری این کشور در استانبول. برای تکمیل شدن بحث به این دو موضوع به اختصار اشاره می‌کنیم:

اندرو برانسون: برای ۳۳ سال اندرو برانسون، کشیش امریکایی، به‌عنوان سفیر خداوند در شهر تاریخی ازمیر واقع در ساحل ترکیه‌ای دریای اژه فعال بوده است. او برای حدود ۲۵ مسیحی کلیسای کوچک رستخیز را ایجاد کرد و به کودکان چگونگی غواصی اسکوبا را می‌آموخت؛ شب‌هنگام برای مردم فیلم پخش می‌کرد و بیکنیک راه می‌انداخت و عامل افتخار و غرور کشیش‌ها بود.

روزنامه گاردین در گزارشی می‌نویسد: «حالا، این مسیونر کلیسای رستخیز در قلب بحران دیپلماتیک بین‌المللی و بحران اقتصادی قرار گرفته که به سقوط ارزش لیر ترکیه در برابر دالر امریکا انجامیده؛ اتفاقی که موجب انتقادات گسترده رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، از امریکا به دلیل تلاش برای ضربه‌زدن به این کشور شده است.

برانسون در اکتبر ۲۰۱۶، از سوی ترکیه به اتهام جاسوسی و ارتباط با سازمان‌های تروریستی دستگیر شد. او به ارتباط با جنبش گولن، متعلق به فتح‌الله گولن، روحانی در تبعید و مخالف دولت ترکیه و مسئول کودتای نافرجام ۲۰۱۶ علیه دولت آنکارا متهم شده است. این مسئله باعث واکنش تند مقامات امریکایی از جمله رئیس جمهور این کشور شد.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری امریکا، برانسون را یک رهبر مسیحی و یک جنتلمن خوب معرفی کرد که بی‌هیچ دلیلی، ترکیه وی را تحت پیگرد قرار داده است. مایک پنس، معاون وی، نیز گفت که ترکیه باید برانسون را آزاد کند یا با پیامدهای آن روبرو شود. مایک پامپو، وزیر امور خارجه امریکا، نیز نسبت به تحریم‌های گسترده علیه ترکیه هشدار داد.

در ماه جاری میلادی نیز آن‌ها به تهدیدهای خود جامعه عمل پوشاندند؛ امریکا تعرفه‌های گمرکی آلومینیوم و فولاد را دو برابر کرده و باعث شده تا بحران اقتصادی، ترکیه را فراگیرد.

کلیسای اونچلیک امریکا با اشاره به این پرونده علیه این کشیش، اعلام کرده که اتهامات علیه برانسون بی‌پایه و اساس



این خیلی مهم است که رفتار فعلی ترکیه چگونه بر روابط این کشور با امریکا تأثیر گذاشته است. سیاست خارجی اردوغان در دو سه سال اخیر اتحاد استراتژیک این کشور با امریکا را زیر سؤال برده است. امروز گرچه رابطه ترکیه با روسیه رو به گرمی نهاده؛ اما در نهایت رابطه آنکارا با مسکو بستگی به همکاری امریکا با ترکیه دارد. ما بر این باور هستیم که روابط باثبات و گرم ترکیه با امریکا باعث می‌شود که ترکیه برای رابطه با روسیه با تکاپو نیافتد. در موضوع خاورمیانه، ترکیه ناخواسته وارد بازی قدرت‌های بزرگ شده است که در یک طرف امریکا و در طرف دیگر روسیه قرار دارد. حملات هوایی امریکا به سوریه باعث می‌شود که ترکیه به سوی امریکا متمایل شود. به نظر می‌رسد که ترکیه در موضوع سوریه یک موضع بسیار متزلزل دارد؛ اما این نکته را باید در نظر داشت که ترکیه در سوریه منافع خاص خود را دارد؛ از جمله موضوع کردها یک موضوع جدی و حیاتی برای ترکیه می‌باشد.

ترکیه نمی‌تواند در اطراف خود تعدادی از کشورهای ترک‌زبان را داشته و آن‌ها را رهبری کند. این کشور نمی‌تواند رهبر جهان اسلام باشد و هم‌چنین نمی‌تواند وارد اتحادیه اروپا شود؛ اما این کشور به‌صورت موفقانه در رابطه با ناتو از موضوع بحران مهاجرت استفاده کرده؛ اما در همین موضوع نیز کارهایی انجام شده و کارهایی نیز انجام نشده است و وضعیت به‌صورت کلی روشن نیست.

هستند و او به‌دلیل عقاید مذهبی‌اش دستگیر و تحت پیگرد قرار گرفته است. مرکز امریکایی برای عدالت و قانون که یک سازمان محافظه‌کار مسیحی است، با کاخ سفید و سایرین درباره برانسون لابی کرده است. این مرکز طوماری را در حمایت از این کشیش تهیه و در آن اعلام کرده که «مسیحیت در دادگاه است». تقریباً ۶۰۰ هزار تن آن را امضا کرده‌اند. دادگاهی در ترکیه ابتدا اندرسون را به حبس خانگی محکوم و او را ممنوع الخروج اعلام کرد. بالاخره فشارها بر دولت اردوغان ادامه یافت تا این‌که این کشور مجبور شد او را آزاد کند. در تاریخ ۲۰۰۷/۱۳۹۷، دادگاهی دیگر برای اندرسون حکم سه سال حبس صادر و ممنوع الخروج بودن او را لغو کرد. کشیش امریکایی از ترکیه خارج و در کاخ سفید مورد استقبال دونالد ترامپ قرار گرفت.

جمال خاشقچی: موضوع دیگر مربوط به قتل جمال خاشقچی، روزنامه‌نگار منتقد سعودی، می‌باشد. این موضوع گرچه ربطی مستقیم به رابطه امریکا و ترکیه نداشته؛ بلکه مربوط به دو کشور متحد امریکا در منطقه می‌باشد؛ ولی این مسئله به‌صورت غیر مستقیم رابطه ترکیه با امریکا را نیز تحت تأثیر قرار داد؛ چون اداره ترامپ و شخص ایشان خیلی مایل بودند که قتل خاشقچی را به نحوی سرپوش گذاری نموده و عربستان را از زیر فشار افکار عمومی برهاند که با اصرار ترکیه این موضوع به یک مسئله مهم بین‌المللی تبدیل شد. ماجرا از آن‌جا آغاز شد که جمال خاشقچی در تاریخ ۲ اکتبر ۲۰۱۸، برای اخذ مدارک مینی بر جدانشدن از همسر سابقش، وارد کنسولگری عربستان در ترکیه شد؛ اما از آن‌جا بیرون نیامد. نامزدش ساعت‌ها در دروازه کنسولگری معطل ماند؛ اما خبری نشد. رسانه‌های ترکیه اعلام کردند که آن‌ها به مدارکی دست یافته که خاشقچی در داخل سفارت به قتل رسیده است. مقامات سعودی کاملاً این ادعا را رد کردند و گفتند خاشقچی از کنسولگری خارج شده است. مقامات امریکایی از جمله ترامپ در ابتدا گفت که به روایت سعودی باور دارد. با پیگیری ترکیه و تشدید افکار عمومی، مقامات امریکایی لحن تندتری علیه سعودی گرفتند. بالاخره بعد از دو هفته آنکار، مقامات سعودی پذیرفتند که خاشقچی در کنسولگری توسط افراد خودسر به قتل رسیده است. کاخ سفید بعد از آن مجبور شد چند مقام سعودی را تحریم و از ورود آن‌ها به امریکا جلوگیری کند.



اگر ترکیه بخواهد کشوری دارای «اقتصاد تراز اول در سطح جهان» بوده و دموکراسی لیبرال داشته باشد، باید رابطه خود را با امریکا گسترش دهد که البته این امر نیازمند بعضی تغییرات در اولویت‌های سیاست خارجی و فاصله قابل توجه از کشورهای اسلامی می‌باشد.

منابع

1. Grigalashvili, 2009 - Grigalashvili S., Turkey in modern regional politics, Tbilisi; Turkish Foreign Policy 1990 - 2008, translated from Turkey by Manchkhavshvili M., Tbilisi, 2014;
2. Kupreishvili, 2016 - Kupreishvili T., West European Union Policy. Thesis, Tbilisi; Obama, 2010 - Obama B., Barack Obama's foreign policy - "smart power" or idealism, <http://nasrashvili.blogspot.com/2010/06/blog-post.html>;
- 6 Journal of International Relations and Foreign Policy, Vol. 6, No. 1, June 2018
3. Rex Tillerson answered to the foreign policy questions in the Senate, <http://www.trt.net.tr/georgian/msplo/2017/01/12/rck-s-tlcrsonma-scnatshi-sagarco-politikis-ki-uvxbs-upasuxa-649606>;
4. Gentleson, 2015 - Gentleson B, US Foreign Policy - Dynamics of Choice in the 21st Century, Tbilisi;
5. Bbaskin Oran, 2013 - E-ditör: Bbaskin Oran, Türk Dış Politikası, Kurtuluş Savaşından Bugüne Olgular, Belgeler,
6. Yorumlar (cilt III. 2001-2012), Bölüm Yazarları: (Ali Dayioğlu, Baskin Oran, Funda Keskin Ata, İlhan Uzgel,
7. Kudret Özesay, Mitat Çelikpala, Mithat Sancar, Mustafa Aydın, Nuri Yeşilyurt, Samim Akgönül, Sanem
8. Baykal, Seyfettin Gürsel, Tuğrul Arat, Ünal Ünsal), İstanbul; Davutoğlu, 2012 - Davutoğlu A., Principles of Turkish Foreign Policy and Regional Political Structuring, SAM Vision Papers (No. 3, April);
9. Uzgel İlhan, 2001 - Uzgel İ., „ABD ve NATO'yla İlişkiler”, Baskin Oran (der.) Türk Dış Politikası, Kurtuluş Savaşından Bugüne Olgular, Belgeler, Yorumlar, Cilt II: 1980-2001, İletişim, Ankara;
10. Özel, Yılmaz ve Akyüz, 2011 - Özel, Yılmaz ve Akyüz, Turkish –American Relations for a New Era: A Turkish Perspective, İstanbul; <http://www.Census.gov/compendia/statab/2012/tables/12s1296.pdf> (Erişim: Kasım 2011); <http://trade.ec.europa.eu/doclib/docs/2011/November/tradoc-148368.pdf> (Erişim: Kasım 2011); [<http://www.ekonomi.gov.tr/upload/AB3A4280-D8D3-8566-45206F45BBC-C409C/eko06.xls> ve <http://www.ekonomi.gov.tr/uplod/AB4161E2E-D8D3-8566-4520CBA68933A272/eko07.xls> (Erişim: Kasım 2011).

